

## تدهین عیسی

<sup>1</sup> پس شش روز قبل از عید فصیح، عیسی به بیت عَنیا آمد، جایی که ایلعازر مرده را از مردگان برخیزانیده بود.<sup>2</sup> و برای او در آنجا شام حاضر کردند و مرتا خدمت می کرد و ایلعازر یکی از مجلسیان با او بود.<sup>3</sup> آنگاه مریم رطلی از عطر سنبلِ خالص گرانها گرفته، پایهای عیسی را تدهین کرد و پایهای او را از موبهای خود خشکانید، چنانکه خانه از بوی عطر پر شد.<sup>4</sup> پس یکی از شاگردان او یعنی یهودای اسخریوطی، پسر شمعون که تسلیم کننده وی بود، گفت:<sup>5</sup> برای چه این عطر به سیصد دینار فروخته نشد تا به فقرا داده شود؟<sup>6</sup> و این را نه از آنرو گفت که پروای فقرا می داشت، بلکه از آنرو که دزد بود و خریطه در حواله او و از آنچه در آن انداخته می شد برمی داشت.<sup>7</sup> عیسی گفت: او را واگذار زیرا که بجهت روز تکفین من این نگاه داشته است.<sup>8</sup> زیرا که فقرا همیشه با شما می باشند و اما من همه وقت با شما نیستم.

<sup>9</sup> پس جمعی کثیر از یهود چون دانستند که عیسی در آنجا است آمدند، نه برای عیسی و بس بلکه تا ایلعازر را نیز که از مردگانش برخیزانیده بود ببینند.<sup>10</sup> آنگاه رؤسای کهنه شورا کردند که ایلعازر را نیز بکشند.<sup>11</sup> زیرا که بسیاری از یهود به سبب او می رفتند و به عیسی ایمان می آوردند.

## ورود مظفرانه عیسی به اورشلیم

<sup>12</sup> فردای آن روز چون گروه بسیاری که برای عید آمده بودند، شنیدند که عیسی به اورشلیم می آید،<sup>13</sup> شاخه های نخل را گرفته، به استقبال او بیرون آمدند و ندا می کردند: هوشیعیانا، مبارک باد پادشاه اسرائیل که به اسم خداوند می آید.<sup>14</sup> و عیسی کوزه الاغی یافته، بر آن سوار شد چنانکه مکتوب است:<sup>15</sup> که ای دختر صهیون مترس، اینک، پادشاه تو سوار بر کوزه الاغی می آید.<sup>16</sup> و شاگردانش اولاً این چیزها را نفهمیدند، لکن چون عیسی جلال یافت، آنگاه به خاطر آوردند که این چیزها درباره او مکتوب است و همچنان با او کرده بودند.<sup>17</sup> و گروهی که با او بودند شهادت دادند که ایلعازر را از قبر خوانده، او را از مردگان برخیزانیده است.<sup>18</sup> و بجهت همین نیز آن گروه او را استقبال کردند، زیرا شنیده بودند که آن معجزه را

## دهن قدمی یسوع بالطیب

<sup>1</sup> ثُمَّ قَبْلَ الْفِصْحِ بِسِتَّةِ أَيَّامٍ أَتَى يَسُوعُ إِلَى بَيْتِ عَنِيَا حَيْثُ كَانَ لِعَازَرُ الْمَيِّتِ الَّذِي أَقَامَهُ مِنَ الْأَمْوَاتِ.<sup>2</sup> فَصَنَعُوا لَهُ هُنَاكَ عَشَاءً، وَكَانَتْ مَرْتَا تَحْدُمُ وَأَمَّا لِعَازَرُ فَكَانَ أَحَدَ الْمُتَكِنِينَ مَعَهُ.<sup>3</sup> فَأَحْدَثَ مَرْيَمُ مَنَّا مِنْ طِيبٍ تَارِدِينَ خَالِصٍ كَثِيرٍ التَّمْنِي وَدَهَنَتْ قَدَمَيْ يَسُوعَ وَمَسَحَتْ قَدَمَيْهِ بِشَعْرَهَا، فَأَمَلَا الْبَيْتُ مِنْ رَائِحَةِ الطَّيِّبِ. فَقَالَ وَاحِدٌ مِنْ تَلَامِيذِهِ، وَهُوَ يَهُودَا سِمْعَانُ الْإِسْخَرْيُوطِيُّ، الْمُرْمِعُ أَنْ يُسَلِّمَهُ:<sup>5</sup> لِمَاذَا لَمْ يَبِيعْ هَذَا الطَّيِّبُ بِتِلْكَ الْمِئَةِ دِينَارٍ وَيُعْطَى لِلْفُقَرَاءِ؟<sup>6</sup> قَالَ هَذَا لَيْسَ لِأَنَّهُ كَانَ يُبَالِي بِالْفُقَرَاءِ بَلْ لِأَنَّهُ كَانَ سَارِقًا وَكَانَ الصُّنْدُوقُ عِنْدَهُ وَكَانَ يَحْمِلُ مَا يُلْقَى فِيهِ. فَقَالَ يَسُوعُ: ائْرِكُوهَا، إِنَّهَا لِیَوْمٍ تَكْفِينِي قَدْ حَفِظْتُهُ.<sup>8</sup> لِأَنَّ الْفُقَرَاءَ مَعَكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ، وَأَمَّا أَنَا فَلَسْتُ مَعَكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ.

## رؤساء الكهنة يتشاورون

<sup>9</sup> فَعَلِمَ جَمْعٌ كَثِيرٌ مِنَ الْيَهُودِ أَنَّهُ هُنَاكَ، فَجَاءُوا لَيْسَ لِأَجْلِ يَسُوعَ فَقَطْ بَلْ لِيَنْظُرُوا أَيْضًا لِعَازَرِ الَّذِي أَقَامَهُ مِنَ الْأَمْوَاتِ.<sup>10</sup> فَتَشَاوَرُ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ لِيَقْتُلُوا لِعَازَرَ أَيْضًا، لِأَنَّ كَثِيرِينَ مِنَ الْيَهُودِ كَانُوا بِسَبَبِهِ يَذْهَبُونَ وَيُؤْمِنُونَ بِيَسُوعَ.

## یسوع الملك یدخل اورشلیم

<sup>12</sup> وَفِي الْغَدِ سَمِعَ الْجَمْعُ الْكَثِيرُ الَّذِي جَاءَ إِلَى الْعِيدِ أَنَّ يَسُوعَ آتٍ إِلَى أُورُشَلِيمَ، فَاحْذُوا شُغُوفَ النَّخْلِ وَخَرِّجُوا لِلْقَائِيهِ، وَكَانُوا يَصْرُخُونَ: أَوْصَا، مُنَارِكُ الْآتِي بِاسْمِ الرَّبِّ، مَلِكُ إِسْرَائِيلَ.<sup>14</sup> وَوَجَدَ يَسُوعُ جَحْشًا فَجَلَسَ عَلَيْهِ كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ:<sup>15</sup> "لَا تَخَافِي يَا ابْنَةُ صِهْيَوْنَ، هُوَذَا مَلِكُكَ يَأْتِي جَالِسًا عَلَى جَحْشٍ أَتَانِ".<sup>16</sup> وَهَذِهِ الْأُمُورُ لَمْ يَفْهَمُهَا تَلَامِيذُهُ أَوَّلًا، وَلَكِنْ لَمَّا تَمَجَّدَ يَسُوعُ جَبَّتِ ذِكْرُوا أَنَّ هَذِهِ كَانَتْ مَكْتُوبَةً عَنْهُ وَأَنَّهُمْ صَنَعُوا هَذِهِ لَهُ.<sup>17</sup> وَكَانَ الْجَمْعُ الَّذِي مَعَهُ يَشْهَدُ أَنَّهُ دَعَا لِعَازَرَ مِنَ الْقَبْرِ وَأَقَامَهُ مِنَ الْأَمْوَاتِ.<sup>18</sup> لِهَذَا أَيْضًا لِقَاءَهُ الْجَمْعُ لَهُمْ سَمِعُوا أَنَّهُ كَانَ قَدْ صَنَعَ هَذِهِ الْآيَةَ. فَقَالَ الْفَرِّسِيُّونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: انْظُرُوا، إِنَّكُمْ لَا تَسْمَعُونَ سَمِئًا، هُوَذَا الْعَالَمُ قَدْ دَهَبَ وَرَاءَهُ.

<sup>20</sup> وَكَانَ آتَانُ يُونَانِيَّوْنَ مِنَ الَّذِينَ صَعِدُوا لِيَسْجُدُوا فِي الْعِيدِ. فَتَقَدَّمَ هَؤُلَاءِ إِلَى فِيلُبُّسَ الَّذِي مِنْ بَيْتِ صَيْدَا الْجَلِيلِ وَسَأَلُوهُ: يَا سَيِّدُ، نُرِيدُ أَنْ تَرَى يَسُوعَ.<sup>22</sup> فَأَتَى فِيلِبُّسُ وَقَالَ لَأَنْدَرَاوُسَ ثُمَّ قَالَ أَنْدَرَاوُسُ وَفِيلِبُّسُ

نموده بود.<sup>19</sup> پس فریسیان به یکدیگر گفتند: نمی بیند که هیچ نفع نمی برید؟ اینک، تمام عالم از پی او رفته اند!

### جلال پسر انسان

<sup>20</sup> و از آن کسانی که در عید بجهت عبادت آمده بودند، بعضی یونانی بودند.<sup>21</sup> ایشان نزد فیلیپس که از بیت صیدای جلیل بود آمدند و سؤال کرده، گفتند: ای آقا، می خواهیم عیسی را ببینیم.<sup>22</sup> فیلیپس آمد و به اندریاس گفت و اندریاس و فیلیپس به عیسی گفتند.<sup>23</sup> عیسی در جواب ایشان گفت: ساعتی رسیده است که پسر انسان جلال یابد.<sup>24</sup> آمین، آمین، به شما می گویم: اگر دانه گندم که در زمین می افتد نمیرد، تنها ماند لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد.<sup>25</sup> کسی که جان خود را دوست دارد، آن را هلاک کند؛ و هر که در این جهان جان خود را دشمن دارد، تا حیات جاودانی آن را نگاه خواهد داشت.<sup>26</sup> اگر کسی مرا خدمت کند، مرا پیروی بکند و جایی که من می باشم آنجا خادم من نیز خواهد بود؛ و هر که مرا خدمت کند پدر او را حرمت خواهد داشت.<sup>27</sup> الآن جان من مضطرب است و چه بگویم؟ ای پدر، مرا از این ساعت رستگار کن؟ لکن بجهت همین امر تا این ساعت رسیده ام.<sup>28</sup> ای پدر، اسم خود را جلال بده! ناگاه صدایی از آسمان در رسید که: جلال دادم و باز جلال خواهم داد.<sup>29</sup> پس گروهی که حاضر بودند این را شنیده، گفتند: رعد شد! و دیگران گفتند: فرشته ای با او تکلم کرد!<sup>30</sup> عیسی در جواب گفت: این صدا از برای من نیامد، بلکه بجهت شما.<sup>31</sup> الحال داوری این جهان است و الآن رئیس این جهان بیرون افکنده می شود.<sup>32</sup> و من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید.<sup>33</sup> و این را گفت کنایه از آن قسم موت که می بایست بمیرد.

### عیسی نور جهان

<sup>34</sup> پس همه به او جواب دادند: ما از تورات شنیده ایم که مسیح تا به ابد باقی می ماند. پس چگونه تو می گویی که پسر انسان باید بالا کشیده شود؟ کیست این پسر انسان؟<sup>35</sup> آنگاه عیسی بدیشان گفت: اندک زمانی نور با شماست. پس مادامی که نور با شماست، راه بروید تا ظلمت شما را فرو نگیرد؛ و کسی که در تاریکی راه می رود نمی داند به کجا

لِیَسُوعَ.<sup>23</sup> وَأَمَّا يَسُوعُ فَأَجَابَهُمَا قَائِلًا: قَدْ أَتَتِ السَّاعَةُ لِيَتِمَّجَدَ ابْنُ الْإِنْسَانِ.<sup>24</sup> الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ لَمْ تَقَعْ حَبَّةُ الْجَنَّةِ فِي الْأَرْضِ وَتَمُتْ فَهِيَ تَبْقَى وَحْدَهَا، وَلَكِنْ إِنْ مَاتَتْ تَأْتِي بِثَمَرٍ كَثِيرٍ.<sup>25</sup> مَنْ يُحِبُّ نَفْسَهُ يَهْلِكُهَا وَمَنْ يُبْغِضُ نَفْسَهُ فِي هَذَا الْعَالَمِ يَحْقِطُهَا إِلَى حَيَاتٍ أَبَدِيَّةٍ.<sup>26</sup> إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَخْدُمُنِي فَلْيَتَّبِعْنِي، وَحَيْثُ أَكُونُ أَنَا هُنَاكَ أَيْضًا يَكُونُ خَادِمِي، وَإِنْ كَانَ أَحَدٌ يَخْدُمُنِي يُكْرِمُهُ الْآبُ.<sup>27</sup> أَلَا نَفْسِي قَدْ اضْطَرَبْتُ، وَمَاذَا أَقُولُ؟ إِنِّي أَنَا الْآبُ، تَجْنِي مِنْ هَذِهِ السَّاعَةِ؟ وَلَكِنْ لِأَجْلِ هَذَا أَتَيْتُ إِلَى هَذِهِ السَّاعَةِ. إِنِّي الْآبُ، مَجِّدْ اسْمَكَ. فَجَاءَ صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ: مَجِّدْتُ، وَأَمَجَّدُ أَيْضًا.<sup>29</sup> فَالْجَمْعُ الَّذِي كَانَ وَاقِعًا وَسَمِعَ قَالَ: قَدْ حَدَثَ رَعْدٌ، وَآخَرُونَ قَالُوا: قَدْ كَلَّمَهُ مَلَكٌ.<sup>30</sup> أَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: لَيْسَ مِنْ أَجْلِي صَارَ هَذَا الصَّوْتُ بَلْ مِنْ أَجْلِكُمْ.<sup>31</sup> أَلَا دَنْبُونَةُ هَذَا الْعَالَمِ، أَلَا يُطْرَقُ رَئِيسُ هَذَا الْعَالَمِ خَارِجًا.<sup>32</sup> وَأَنَا، إِنْ ارْتَفَعْتُ عَنِ الْأَرْضِ، أَجْذِبُ إِلَيَّ الْجَمِيعَ.<sup>33</sup> قَالَ هَذَا مُشِيرًا إِلَى آيَةِ مِيتِهِ كَأَن مَرْمِعًا أَنْ يَمُوتَ.<sup>34</sup> فَأَجَابَهُ الْجَمْعُ: تَحْنُ سَمِعْنَا مِنَ الثَّامُوسِ أَنَّ الْمَسِيحَ يَبْقَى إِلَى الْأَبَدِ، فَكَيْفَ تَقُولُ أَنْتَ إِنَّهُ يَبْتَغِي أَنْ يَرْفَعَ ابْنُ الْإِنْسَانِ؟ مَنْ هُوَ هَذَا ابْنُ الْإِنْسَانِ؟<sup>35</sup> فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: الثَّوْرَ مَعَكُمْ زَمَانًا قَلِيلًا يَعُدُّ. فَسِيرُوا مَا دَامَ لَكُمْ الثَّوْرُ لِئَلَّا يُذَرَّكُمْ الظَّلَامُ، وَالَّذِي يَسِيرُ فِي الظَّلَامِ لَا يَعْلَمُ إِلَى أَيْنَ يَذْهَبُ.<sup>36</sup> مَا دَامَ لَكُمْ الثَّوْرُ آمِنُوا بِالثَّوْرِ لِتَصِيرُوا أَبْنَاءَ الثَّوْرِ. تَكَلَّمَ يَسُوعُ بِهَذَا ثُمَّ مَضَى وَاحْتَفَى عَنْهُمْ.

### رفض رساله يسوع

<sup>37</sup> وَمَعَ أَنَّهُ كَانَ قَدْ صَنَعَ أَمَامَهُمْ آيَاتٍ هَذَا عَدَدُهَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ،<sup>38</sup> لِيَتِمَّ قَوْلُ إِسْعْيَاءَ النَّبِيِّ الَّذِي قَالَ: "يَا رَبُّ، مَنْ صَدَّقَ خَبْرَتَا؟ وَلَمَنْ اسْتَعْلَيْتُ ذِرَاعَ الرَّبِّ؟"<sup>39</sup> لِهَذَا لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يُؤْمِنُوا، لِأَنَّ إِسْعْيَاءَ قَالَ أَيْضًا:<sup>40</sup> "قَدْ أَغْمَى عُيُونَهُمْ وَأَغْلَطَ قُلُوبُهُمْ لِئَلَّا يُبْصِرُوا بِعُيُونِهِمْ وَيَبْشُرُوا بِقُلُوبِهِمْ وَيَرْجِعُوا فَاشْفِيَهُمْ".<sup>41</sup> قَالَ إِسْعْيَاءُ هَذَا حِينَ رَأَى مَجْدَهُ وَتَكَلَّمَ عَنْهُ.<sup>42</sup> وَلَكِنْ مَعَ ذَلِكَ آمَنَ بِهِ كَثِيرُونَ مِنَ الرُّؤَسَاءِ أَيْضًا غَيْرَ أَنَّهُمْ لَيْسَتْ بِالْقَرَبِيسِيِّنَ لَمْ يَقْتَرِفُوا بِهِ لِئَلَّا يَصِيرُوا خَارِجَ الْمَجْمَعِ.<sup>43</sup> لِأَنَّهُمْ أَحَبُّوا مَجْدَ النَّاسِ أَكْثَرَ مِنْ مَجْدِ اللَّهِ.

### يسوع هو الوصية الإلهية

<sup>44</sup> فَقَادَى يَسُوعُ وَقَالَ: الَّذِي يُؤْمِنُ بِي لَيْسَ يُؤْمِنُ بِي بَلْ بِالَّذِي أُرْسَلَنِي.<sup>45</sup> وَالَّذِي يَرَانِي يَرَى الَّذِي أُرْسَلَنِي. أَنَا

قَدْ جِئْتُ نُورًا إِلَى الْعَالَمِ حَتَّى كُلُّ مَنْ يُؤْمِنُ بِي لَا يَمُوتُ فِي الظُّلْمَةِ.<sup>47</sup> وَإِنْ سَمِعَ أَحَدٌ كَلَامِي وَلَمْ يُؤْمِنْ قَاتًا لَا أَدِينُهُ، لِأَنِّي لَمْ آتِ لِأَدِينِ الْعَالَمَ بَلْ لِأَخْلَصَ الْعَالَمَ.<sup>48</sup> مَنْ رَدَّنِي وَلَمْ يَقْبَلْ كَلَامِي فَلَهُ مِنْ يَدِيهِ، الْكَلَامُ الَّذِي تَكَلَّمْتُ بِهِ هُوَ يَدِينُهُ فِي الْيَوْمِ الْآخِرِ.<sup>49</sup> لِأَنِّي لَمْ أَتُكَلِّمْ مِنْ نَفْسِي لَكِنَّ الْآبَ الَّذِي أَرْسَلَنِي هُوَ أَعْطَانِي وَصِيَّةً مَاذَا أَقُولُ وَمَاذَا أَتَكَلَّمُ.<sup>50</sup> وَأَنَا أَعْلَمُ أَنَّ وَصِيَّتَهُ هِيَ حَيَاةٌ أَبَدِيَّةٌ، فَمَا أَتَكَلَّمُ أَنَا بِهِ فَكَمَا قَالَ لِي الْآبُ هَكَذَا أَتَكَلَّمُ.

می‌رود.<sup>36</sup> مادامی که نور با شماست به نور ایمان آورید تا پسران نور گردید. عیسی چون این را بگفت، رفته خود را از ایشان مخفی ساخت.

<sup>37</sup> و با اینکه پیش روی ایشان چنین معجزات بسیار نموده بود، بدو ایمان نیاوردند.<sup>38</sup> تا کلامی که اشعیا نبی گفت به اتمام رسید: ای خداوند، کیست که خبر ما را باور کرد و بازوی خداوند به کیه آشکار گردید؟<sup>39</sup> و از آن جهت نتوانستند ایمان آورد، زیرا که اشعیا نیز گفت:<sup>40</sup> چشمان ایشان را کور کرد و دل‌های ایشان را سخت ساخت تا به چشمان خود نبینند و به دل‌های خود نفهمند و برنگردند تا ایشان را شفا دهم.<sup>41</sup> این کلام را اشعیا گفت وقتی که جلال او را دید و درباره او تکلم کرد.<sup>42</sup> لکن با وجود این، بسیاری از سرداران نیز بدو ایمان آوردند، اما به سبب فریسیان اقرار نکردند که مبدا از کنیسه بیرون شوند.<sup>43</sup> زیرا که جلال خلق را بیشتر از جلال خدا دوست می‌داشتند.

<sup>44</sup> آنگاه عیسی ندا کرده، گفت: آنکه به من ایمان آورد، نه به من بلکه به آنکه مرا فرستاده است، ایمان آورده است.<sup>45</sup> و کسی که مرا دید فرستنده مرا دیده است.<sup>46</sup> من نوری در جهان آمدم تا هر که به من ایمان آورد در ظلمت نماند.<sup>47</sup> و اگر کسی کلام مرا شنید و ایمان نیاورد، من بر او داوری نمی‌کنم زیرا که نیامده‌ام تا جهان را داوری کنم بلکه تا جهان را نجات بخشم.<sup>48</sup> هر که مرا حقیر شمارد و کلام مرا قبول نکند، کسی هست که در حق او داوری کند، همان کلامی که گفتم در روز بازپسین بر او داوری خواهد کرد.<sup>49</sup> زانرو که من از خود نگفتم، لکن پدری که مرا فرستاد، به من فرمان داد که چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم.<sup>50</sup> و می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است. پس آنچه من می‌گویم چنانکه پدر به من گفته است، تکلم می‌کنم.